انجمنی با سابقه ۲۰ ساله

برای بررسی فعالیت‌های انجمن هنرمندان نقاش ایران باید بیست سالی به عقب برگشت؛ انجمنی که دی‌ماه سال ۷۷ رسمیت یافت و در طول این مدت فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ فراز و فرودهایی که بعد از برگزاری چند دوسالانه بعد از پایان کار ششمین دوسالانه نقاشی در سال ۸۲ شروع شد و بعدها با حاشیه‌هایی که در جریان برگزاری هفتمین دوره این دوسالانه پیش آمد این انجمن ترجیح داد تا در برگزاری بی‌ینال‌ها با موزه همکاری نداشته باشد. انجمن نقاشان ایران اما در طول یک سال گذشته در واکنش به اتفاقات حوزه تجسمی شکل دیگری از فعالیت را هم تجربه کرده است.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با معصومه مظفری، رییس انجمن نقاشان ایران

کاش یک‌بار هم که شده به ما اعتماد کنند

ارشاد ذهنیت خودش را درباره هنرهای تجسمی عوض کند

صبا طاهریان/اعتماد

علی مطلب‌زاده

برای بررسی فعالیت‌های انجمن هنرمندان نقاش ایران باید بیست سالی به عقب برگشت؛ انجمنی که دی‌ماه سال ۷۷ رسمیت یافت تا در نخستین فعالیتش در برگزاری بی‌ینال‌های نقاشی با موزه هنرهای معاصر تهران همکاری کند. اما این انجمن در طول این مدت فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ فراز و فرودهایی که بعد از برگزاری چند دوسالانه بعد از پایان کار ششمین دوسالانه نقاشی در سال ۸۲ شروع شد و بعدها با حاشیه‌هایی که در جریان برگزاری هفتمین دوره این دوسالانه پیش آمد این انجمن ترجیح داد تا در برگزاری بی‌ینال‌ها با موزه همکاری نداشته باشد. انجمن نقاشان ایران اما در طول یک سال گذشته ترجیح داده تا در واکنش به اتفاقات حوزه تجسمی شکل دیگری از فعالیت را هم تجربه کند. فعالیت‌هایی که معصومه مظفری، رییس این انجمن در این گفت‌وگو تعبیر «حضور هوشیارانه در قبال مسائل حوزه تجسمی» را برای آن به کار می‌برد. اخبار مربوط به واگذاری موزه هنرهای معاصر تهران در فروردین‌ماه سال گذشته نقطه شروع این حضور بود. واکنش این انجمن در کنار چند انجمن دیگر باعث شد تا در نهایت واگذاری این موزه منتفی شود. اما انجمن نقاشان در طول یک سال گذشته به اتفاقات دیگری هم به همین شکل واکنش نشان داد، از برگزاری نمایشگاه گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در برلین و رم گرفته تا بحث هبات امنایی شدن موزه. این اتفاقات بهانه‌ای بود تا در گفت‌وگو با معصومه مظفری، رییس انجمن نقاشان ایران به آنها پرداخته شود. گفت‌وگویی که از مرور فعالیت‌های انجمن در طول این سال‌ها شروع شد و در پایان به انتظارات جامعه تجسمی از سیدعباس صالحی، وزیر جدید ارشاد رسید.

به نظر می‌رسد دوره اخیر ریاست شما در انجمن نقاشان نسبت به دوره قبلی که این پست را داشتید دردسر بیشتری داشت؟

بله، خیلی زیاد. البته به جای «دردسر» بهتر است «فعالیت بیشتر» بگذاریم. از طرفی تعداد اعضای انجمن بیشتر شده و این امر خود برنامه‌ریزی سنگین و پیچیده‌تری را طلب می‌کند و از طرف دیگر حضور اجتماعی فعال در عرصه هنرهای تجسمی است که هوشیاری و دقت، انتقاد درست و ارایه راهکار نیاز دارد.

چرا این تصور وجود دارد که فعالیت‌های انجمن نقاشان نسبت به بقیه انجمن‌های تجسمی کمتر است؟

من این‌طور فکر نمی‌کنم و فعالیت انجمن را کمتر از انجمن‌های دیگر نمی‌بینم، اگر چنین بود ما الان مقابل هم ننشسته بودیم و شما انجمن هنرمندان نقاش ایران را خطاب قرار نمی‌دادید. انجمن در این دوره فعالیت‌هایش را در بخش‌هایی مثل بازبینی اساسنامه و آیین‌نامه‌های کمیته‌ها، فعالیت کمیته‌های انجمن، نشست و گفت‌وگو با ارگان‌ها و مراکز فرهنگی و هنری، نشست و گفت‌وگو با اعضای انجمن، نشست و گفت‌وگوی ماهانه با انجمن‌های تجسمی دیگر مثل هنرمندان مجسمه‌ساز، طراحان گرافیک، عکاسان، تصویرگران و هنرمندان سرامیست و حضور هوشیارانه در قبال مسائل حوزه تجسمی قرار داد. توضیح کامل درباره فعالیت کمیته‌های انجمن به دلیل حجم آن از حوصله این گفت‌وگو خارج است ولی از آنجا که در هر یک از کمیته‌های انجمن یعنی نمایشگاه‌ها، کارشناسی و ارزیابی آثار هنری، نقاشی دیواری و هنرهای محیطی، انتشارات، آموزش و رفاه، با تلاش اعضای این کمیته‌ها پژوهش، ارایه طرح و اجرای طرح صورت گرفته لازم می‌دانم که در وقتی دیگر به طور مفصل به آن بپردازیم.

شاید بزرگ‌ترین مشکل انجمن در این سال‌ها این باشد که فعالیت‌هایش نه کاملا صنفی است و نه کاملا هنری. این موضوع بعضا تداخل‌هایی ایجاد می‌کند...

به نظر من باید تعریف جدیدی از انجمن بدهیم؛ آن هم از انجمنی که امروز مورد نیاز است. حدود بیست سال پیش انجمن‌هایی پایه‌گذاری شد با رویکردها و نیازهای آن زمان، اما امروز با توجه به تغییر و تحولات جامعه هنری و به خصوص هنرهای تجسمی رویکردهای تعریف شده بیست سال پیش کارساز نیست. اینکه چه چیزهایی باید دگرگون شود و چه جایگزین نیاز به پژوهش و بررسی و گفت‌وگوی بیشتری دارد.

آیا در نهایت قرار است انجمن به سمت صنفی شدن برود؟

نه، ما نمی‌توانیم این انجمن را صنفی کنیم. اگر لزومی بر این کار باشد باید یک انجمن صنفی تاسیس شود. صنفی شدن انجمن نقاشان ماهیت آن را کاملا تغییر می‌دهد. با این حساب باید اول آن را منحل کرد و بعد به فکر صنفی کردن آن افتاد. چنین پیشنهادی را نه من می‌دهم و نه اشخاص دیگری که در انجمن هستند. ما به اعضایی که درخواست صنفی شدن انجمن را داشتند پیشنهاد دادیم خودشان چنین انجمنی را تاسیس کنند؛ انجمنی که در صورت تاسیس ما هم در آن عضو خواهیم شد. شاید در این صورت وضعیت انجمن هنرمندان نقاش و اینکه قرار است در چه حوزه‌ای کار کند هم مشخص‌تر شود.

انجمن نقاشان و دیگر انجمن‌های هنری یک دوره خیلی طلایی را تجربه کردند؛ دوره‌ای که انجمن‌ها برگزار کننده بی‌ینال‌ها هم بودند. این دوره‌ای بود که هیچ‌وقت در طول این سال‌ها تکرار نشد. همین انجمن‌ها بعد از اینکه برگزاری بی‌ینال‌ها از آنها گرفته شد در حاشیه قرار گرفتند. شما دلیل این اتفاق را چه می‌دانید؟

من فکر نمی‌کنم که برگزار نکردن دوسالانه‌ها انجمن‌ها را به حاشیه کشانده باشد. در متن ماندن، حضور موثر و دایمی در حوزه فرهنگ و هنر را می‌طلبد، چه در واکنش به رویدادها و نقد آنها و چه در ارایه دیدگاه‌ها و راهکارهای درست و کارساز. از این رو امروز انجمن‌ها اتفاقا خیلی بیشتر نسبت به قبل در متن جامعه تجسمی هستند. مشکل زمانی پیش می‌آید که متولیان حوزه تجسمی نخواهند قبول کنند عده زیادی هنرمند و متخصص در انجمن‌های تجسمی حضور دارند که بسیار بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها همفکری و همکاری کنند. دوسالانه فقط یکی از اموری است که قاعدتا انجمن‌های مربوطه صلاحیت بیشتری در انجام آن دارند. می‌دانیم که بعضی از انجمن‌های تجسمی دوسالانه‌های‌شان را برگزار کردند و هیچ اتفاقی نیفتاد و بعضی دیگر رویدادهایی را تعریف کردند به عنوان جایگزین دوسالانه‌ها که موفق‌تر بود. تا زمانی که دوسالانه‌ها تعریف درستی نشوند و دبیرخانه دایمی نداشته باشند و بودجه مشخصی برای‌شان در نظر گرفته نشود اتفاق خاصی نخواهد افتاد. ما به عنوان انجمن هنرمندان نقاش ایران دوسالانه ششم را برگزار کردیم که نتیجه‌اش معرفی و نگاه به هنرمندان جوان بود؛ هنرمندانی که بعدها همه‌شان چهره‌های مطرح و شاخصی شدند. برگزاری آن دوسالانه به انجمن سپرده شد و مدیریت وقت موزه هنرهای معاصر بدون دخالت فقط حمایت کرد. اگر قرار بر برگزاری دوسالانه دیگری توسط انجمن نقاشان باشد ترجیح ما این است که در سطح بالاتری از دوسالانه ششم این اتفاق بیفتد. ما در حال حاضر در انجمن هنرمندان نقاش اعضایی با گرایش به عکس، ویدیو، مجسمه، هنر اجرا، چیدمان و نقاشی داریم و بنابراین برگزاری دوسالانه نقاشی یعنی نادیده گرفتن بخشی از اعضای انجمن. درست است که اسم انجمن فقط به نقاشان اشاره دارد ولی سعی کردیم با توجه به اینکه امروزه مرز مشخصی بین رشته‌ها نمی‌توان کشید در اساسنامه انجمن تا حدودی به جبران این امر بپردازیم. یکی، دو سال پیش، طرحی را برای برگزاری دوسالانه هنر به موزه هنرهای معاصر تهران دادیم. ما برای این طرح یک تیم شش نفره انتخاب کردیم که به مدت سه ماه به پژوهش و بررسی دوسالانه‌های مهم جهان و در واقع به جست‌وجوی تعریف معاصر از دوسالانه‌ها بپردازند. طرح، تهیه و در موزه هنرهای معاصر در جلسه‌ای برای هنرمندان و پژوهشگران توضیح داده شد. البته مدیریت وقت به انجمن جواب منفی دادند و دلیلش را بودجه بالای چنین طرحی عنوان کردند. دلیل دیگرشان این بود که این طرح پیشنهادی، رشته‌های دیگر تجسمی را هم در برمی‌گیرد و باید با همراهی سایر انجمن‌ها برگزار شود. آن زمان این نزدیکی که الان بین انجمن‌ها هست، وجود نداشت. به ما گفتند که اگر توانستید انجمن‌ها را راضی کنید تا در کنار هم کار کنید، این دوسالانه را برگزار کنید. آنها انتظار داشتند ما هم طرح بدهیم و هم با انجمن‌ها ارتباط بگیریم و خب، مرکز هنرهای تجسمی در این میان قرار بود چه کار کند؟ به هر حال اوضاع طوری پیش رفت که این انجمن‌ها به هم نزدیک شدند.

خیلی‌ها این نظر را داشتند که در جریان برگزاری بی‌ینال هفتم نقاشی انجمن خودش کنار کشید، هر چند یکسری هم این نظر را مطرح می‌کردند که انجمن در جریان برگزاری این بی‌ینال کنار گذاشته شد. شما طرف کدام نظر را می‌گیرید؟

ما برای برگزاری دوسالانه هفتم یک دوره طولانی کار کردیم. شورای سیاستگذاری دعوت کردیم و صحبت‌ها انجام شد و تیم برگزاری آن هم تشکیل شد اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که دوسالانه‌ای به این شکل را برگزار نکنیم. بحث ما سر این بود که دبیرخانه دوسالانه به دفتر انجمن بیاید برای اینکه تجربه‌ای در برگزاری کسب کنیم. این کار صرفه اقتصادی نداشت و مرکز هنرهای تجسمی می‌گفت دبیرخانه باید در همان موزه باشد. بعد از آن بحث دبیرخانه دایمی دوسالانه‌ها مطرح شد که هیچ‌وقت دنبال نشد. همان زمان البته اعلام کردیم که اگرچه انجمن نقشی در برگزاری دوسالانه هفتم ندارد، اعضای انجمن می‌توانند چنانچه تمایل دارند در آن شرکت کنند.

در طول این سال‌ها هیچ‌وقت پیشنهاد برگزاری دوباره بی‌ینال‌ها به انجمن داده نشد؟

سال‌های بعد من در هیات‌مدیره انجمن سمتی نداشتم.

یعنی در جریان سیاست‌ها یا پیشنهادهایی که به انجمن نقاشان می‌شد هم نبودید؟

دوسالانه‌ها معمولا در این سال‌ها سر دو سال برگزار نشده است. زمان نامشخص و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های باری به هرجهت امکان حضور مشخص و مفید را از انجمن‌ها سلب می‌کند. در نتیجه یک مدیریت ممکن است برگزاری دوسالانه را به انجمن‌ها بسپرد و مدیر بعدی نه.

در دوره اخیر و ریاست آقای ملانوروزی اوضاع انجمن نقاشان بهتر شد یا بدتر؟

آقای ملانوروزی سعی می‌کنند خیلی مثبت با اتفاقات برخورد کنند. وقتی با او حرف می‌زنید فکر می‌کنید همه‌چیز حل شده اما بعد از آن هیچ اتفاقی نمی‌افتد. این است که عملا هیچ حرکتی نداشته‌ایم. ما نه توانسته‌ایم دوسالانه را برگزار کنیم و نه طرحی را که ارایه داده بودیم پیش ببریم. خب، این کار را سخت می‌کند. در دوره ایشان خیلی قول‌ها به ما داده شد که بعدا انجام نشد. فروردین سال ۹۵ و بعد از بحث واگذاری موزه به بنیاد رودکی قرار شد شورایی تجسمی با حضور نمایندگان انجمن‌ها، گالری‌دارها و منتقدین حوزه هنر تشکیل شود. تا همین امروز یک قدم برای تشکیل این شورا برداشته نشده است. هر جلسه‌ای هم که در این مدت با آقای ملانوروزی داشتیم این موضوع را مطرح کرده‌ایم و با روی باز گفته‌اند که حتما از شما دعوت می‌کنیم اما در عمل چیزی نمی‌بینیم. البته ناگفته نماند من شخصا بارها با ایشان تماس گرفته‌ام و مشکلات افراد و اعضای انجمن را طرح کرده و پیشنهاد یاری و همراهی از ایشان داشته‌ام که همواره همراه بوده‌اند، ولی بر سر مسائل و تصمیم‌گیری‌های کلان اتفاقی نیفتاده است. شاید باید دلایل را جای دیگری جست‌وجو کرد.

خیلی‌ها این عدم توجه به حوزه تجسمی را در این سال‌ها طور دیگری تعبیر می‌کنند، اینکه هیچ‌وقت حوزه تجسمی جزو اولویت‌های وزارت ارشاد نبوده است...

بله، نبوده و متاسفانه هنوز به اهمیت و نقش زیربنایی هنرهای تجسمی پی نبرده‌اند. در کمال تعجب پس از گذشت این سال‌ها نقش موثر عکاسی، گرافیک، مجسمه‌سازی و نقاشی در ثبت و تحلیل و بیان هنرمندانه تاریخ این سرزمین نادیده گرفته می‌شود.

در کل این تصور هم وجود دارد که حوزه تجسمی درآمد خودش را دارد و نیازی به بودجه بیشتر نیست...

من اینطور فکر نمی‌کنم. اینکه انجمن‌های تجسمی ردیف بودجه ندارند ولو اندک و وزارت ارشاد هیچ مسوولیتی در قبال مکان دفاتر انجمن‌ها احساس نمی‌کند، اهمیتی به مسکن، کارگاه و بیمه هنرمندان نمی‌دهد. اینکه ارشاد حتی نمی‌داند هر یک از صنوف این حوزه چه توانایی‌ها و چه نیازهایی دارد اشاره به مشکلات و معضلات بسیار عمیق‌تری دارد. برگزاری حراج‌ها که تازه چند سالی است پا گرفته دلیل بر رونق و بی‌نیازی حوزه تجسمی نیست. بسیاری از هنرمندان ما فاقد بیمه، کارگاه و دفاتر کار و حتی مسکن هستند. ما در انجمن‌ها برای تمام این موارد دوندگی می‌کنیم، بدون بودجه و بدون دریافت حقوق. در یک دوره سه ساله به تمام این موارد باید رسیدگی شود که کاملا صنفی است و در عین حال به مباحث و فعالیت‌های هنری هم پرداخت و چشم و گوش حوزه تجسمی هم شد، آن هم بدون احساس امنیت و حمایت...

احتمال این را می‌دهید که روزی این نگاه‌ها به حوزه تجسمی عوض شوند؟

در هر دوره و با عوض شدن مسوولان در ادارات و ارگان‌های انجمن ما نامه‌ای نوشتیم برای خوشامدگویی به مدیر جدید با توضیح مفصل توانایی‌های انجمن و ارایه پیشنهاد همکاری و مشاوره که به‌ندرت جواب گرفته‌ایم.

پیشنهاد شما برای عوض شدن این نگاه چیست؟

کاش یک‌بار هم که شده به ما اعتماد کنند و بپذیرند انجمن‌هایی وجود دارند که به شکل تخصصی کار می‌کنند. بپذیرند که این انجمن‌ها در سخت‌ترین شرایط در طول این سال‌ها کار کرده و تجربه اندوخته‌اند و می‌توان از این تجربه‌ها در جایش استفاده کرد. حداقلش این است که ما با مشکلات حوزه‌های خودمان آشنا هستیم و می‌توانیم آنها را بیان کنیم. به نظر من این پذیرش اولیه انجمن‌ها وجود ندارد. زمستان سال گذشته بود که با آقای صالحی‌امیری، وزیر پیشین ارشاد در موزه دیداری داشتیم در این نشست انجمن‌ها حرف‌های‌شان را زدند. جدا از بحث بیمه و درخواست یک درصد خرید آثار و مشکلات عدیده دیگر مهم‌ترین خواسته‌مان این بود که ارتباط وزیر ارشاد با حوزه تجسمی بیشتر شود. پیشنهاد دادیم جلساتی با هر کدام از انجمن‌ها داشته باشند تا در جریان مشکلات و توانایی‌های آنها قرار بگیرند. آن زمان گفته شد که این پیشنهاد خیلی خوبی است، اما هیچ‌وقت چنین جلساتی برگزار نشد. دست آخر هم پس از پیگیری‌های بسیار گفتند اگر خیلی عجله دارید با معاون هنری جلسه بگذارید... اگر قرار است وزیر ارشاد به ما هیچ‌وقتی ندهند و حاضر نباشند در حد یک جلسه با انجمن‌ها آشنا شوند و حرف‌های آنها را بشنوند و کوچک‌ترین قدمی برای انجام حتی یک مورد کوچک از خواسته‌هایی که در جلسه موزه داشتیم برندارند فکر می‌کنید دیداری دیگر فایده داشت؟

فکر می‌کنید با آمدن وزیر جدید ارشاد این مشکلات رفع شود؟

من سعی می‌کنم به این مساله مثبت فکر کنم و امیدوار باشم.

من به شخصه فکر نمی‌کنم نگاه حاکم در ارشاد آن هم در حوزه هنرهای تجسمی دچار تغییر آنچنانی شود. مهم‌ترین موضوع، آشنایی شخص وزیر با این حوزه و مشکلات آن است. این تخصصی است که معمولا در بین وزیران ارشاد نمی‌توان سراغ گرفت. ضمن اینکه با اتفاقات یک سال اخیر از پیشنهاد واگذاری موزه به بنیاد رودکی گرفته تا نمایشگاه گنجینه در خارج از کشور خواه، ناخواه این تصور را ایجاد کرده که انجمن‌ها مخصوصا انجمن نقاشان بیشتر مزاحم هستند تا همراه...

در مورد نمایشگاه گنجینه این‌طور وانمود شد که انجمن نقاشان نمی‌خواهد این آثار از کشور خارج شود در صورتی که همه ما با این موافق بودیم که برگزاری این نمایشگاه اتفاق خوب و مثبتی است. ما هیچ‌وقت نگفتیم که آثار از کشور خارج نشود. اصلا مخالف مبادله فرهنگی نبوده و نیستیم. مساله این بود که هیچ چیز درست و شفافی در مورد این نمایشگاه نگفتند و همه‌اش ما را دور زدند. از طرفی می‌گویند شورای تجسمی تشکیل می‌دهیم و از طرف دیگر جواب درستی نمی‌دهند. همیشه گفته‌اند ما قرارداد محکمی داریم و بیمه مهمی پشت این پروژه است و... ولی به سوالات مشخصی که در این رابطه پرسیده شد با بله و نه جواب داده‌اند.

در نهایت هم این‌طور برداشت شد که شما ارشاد را دور زده‌اید و با مجلسی‌ها وارد مذاکره شدید؟

اتفاقا پیشنهاد جلسه از طرف مجلسی‌ها بود و در خود موزه هم برگزار شد.

از آن جلسه هم نتیجه‌ای نگرفتید؟

به هر حال حرف‌های‌مان را شنیدند. آنها فقط می‌خواستند راجع به نمایشگاه آثار گنجینه صحبت کنند اما انجمن‌ها هر کدام مسائل و مشکلات‌شان را از بودجه گرفته تا عدم اعتماد گفتند...

خیلی‌ها از جلسه‌ای که برگزار شد همین ایراد را گرفتند. آنها گفتند همین صحبت‌ها باعث شد تا در مورد نمایشگاه گنجینه هیچ صحبتی نشود...

ما راجع به نمایشگاه گنجینه هم صحبت کردیم. خود من در آن جلسه خواستم تا در مورد بودجه‌شان برای موزه توضیح بدهند. آنها گفتند اول شما حرف‌های‌تان را بزنید. من گفتم همه‌چیز به بودجه شما برمی‌گردد. وقتی گفته می‌شود که گنجینه را می‌فرستیم و با پولی که می‌گیریم، می‌توانیم بخشی از مشکلات موزه را حل کنیم، معنی‌اش این است که موزه هنرهای معاصر ما مشکل بودجه دارد. البته بسیار جای تعجب است که با وجود ناکافی بودن بودجه موزه چند روز قبل از آن جلسه برای گنجینه موزه آثاری با قیمت یک میلیارد و چهارصد و ده میلیون تومان خریداری می‌شود. حتی اگر در نظر بگیریم ردیف بودجه خرید آثار با ردیف بودجه مرمت موزه دو ورودی متفاوت دارند، باز این مبلغی است که هزینه شده وای کاش برایش بیشتر برنامه‌ریزی می‌شد. به نظر من در این جلسه همه صحبت‌ها به هم مرتبط بود.

اگر شورای تجسمی که خودشان پیشنهادش را دادند به طور مرتب تشکیل می‌شد متوجه می‌شدند که ما مشکلی با رفتن کارها به خارج از کشور نداریم، بلکه مشکل‌مان عدم شفافیت در این موضوع بود. آخر همان جلسه هم گفتند حتما به انجمن‌ها ردیف بودجه خواهیم داد و حتما شورای تجسمی را تشکیل می‌دهیم. بعد هم که جلسه تمام شد دیگر هیچ اتفاقی نیفتاد.

بعد از آن به هیات امنایی شدن موزه هم واکنش نشان دادید؟

بله، در این مورد هم باز باید مشخص کنند که چه اتفاقی قرار است بیفتد...

یعنی مساله شما فقط شکل تعریف‌هاست و با هیات امنایی شدن موزه مشکلی ندارید؟

اتفاقا داریم. به نظر ما هیات امنایی شدن، دست موزه را در مورد گنجینه‌اش خیلی باز می‌گذارد. این با شورایی شدن موزه فرق زیادی دارد. اداره شورایی موزه به این معنی است که موزه مدیر خود را دارد و با شورا درباره تصمیم‌گیری‌ها مشورت می‌کند. شورا سهمی نمی‌خواهد، تصمیم‌گیرنده نیست اما هیات امنا فرق می‌کند. در این حالت مسوولیت از ارشاد گرفته می‌شود و در اختیار هیات امنا قرار می‌گیرد. در مورد شکل هیات امنا هم سوال‌های زیادی پیش می‌آید. اینکه چه کسانی در آن هستند و قرار است چه کار کنند؟ شما فکر می‌کنید با هیات امنایی شدن موزه آن شفافیتی که ما از آن صحبت می‌کنیم ایجاد خواهد شد؟ نخستین فرض این است که موزه با هیات امنایی شدن زیرمجموعه یک نهاد دیگر قرار می‌گیرد. آیا قرار است آن مجموعه بنیاد رودکی باشد؟ اینها دقیقا مشخص نیست و باید درباره‌اش صحبت کرد.

خیلی از موزه‌های دنیا هستند که به شکل هیات امنایی اداره می‌شوند. این هیات امنایی شدن اصلا به معنای تصمیم‌گیری نهایی نیست.

حرف ما اینجاست که هر چه هست را همان اول مشخص کنند. هیات امنایی شدن چه سود بیشتری می‌تواند برای موزه داشته باشد؟ و حد و حدود آزادی عملش تا کجاست؟

شاید سودی نداشته باشد اما با توجه به تعریف‌هایی که دارد و محدوده وظایف و اختیاراتش، ایرادی هم در آن نیست. مثلا در مورد نمایشگاه گنجینه موزه باز هم این هیات امنانیست که تصمیم نهایی را می‌گیرد و لازم است همان روندی طی شود که در طول یکسال گذشته بارها از آن صحبت شده است...

حرف من تنها این است که باید همه‌چیز را از ابتدا مشخص کرد؛ از دامنه اعمال نظرهای این هیات امنا گرفته تا محدودیت‌هایی که برای آن در نظر گرفته شده. به همین آسانی نمی‌شود نتیجه گرفت وقتی موزه هیات امنایی شود همه مشکلات هم حل می‌شوند. هیات امنایی شدن موزه یا تشکیل شورای تجسمی پیشنهادهایی هستند که در طول این سال‌ها بارها از طرف اهالی تجسمی داده شده‌اند، اما خود من به‌شخصه فکر می‌کنم قبل از هر تصمیمی باید شوراهای تجسمی تشکیل شود. حتی پیشنهادم به وزیر جدید هم همین است. نخستین کار وزیر ارشاد در حوزه تجسمی می‌تواند تشکیل همین شوراها باشد.

خودتان فکر نمی‌کنید در موارد این‌چنینی، واکنش انجمن نقاشان و دیگر انجمن‌ها خیلی تحت تاثیر نوشته‌های افشین پرورش است؟

نه، به هیچ‌وجه من چنین فکری نمی‌کنم. این موضوعی است که عده‌ای از هنرمندان به خودم هم گفته‌اند. موضوعات زیادی بوده که افشین پرورش در طول این چند سال در موردش نوشته است. خیلی‌ها از ما به عنوان انجمن هنرمندان نقاش در مقابل این صحبت‌ها انتظار دفاع و پاسخ داشتند. ما این کار را نکردیم، برای اینکه عقیده نداریم باید به هر صحبتی که شده جواب بدهیم. آدم‌ها در این موارد تعیین‌کننده نیستند و این تاریخ و گذشت زمان است که مشخص خواهد کرد چه اتفاقی افتاده و چه اتفاقی نیفتاده. صحبت‌هایی که درباره اتفاقات یک سال گذشته شد از تجمع جلوی موزه گرفته تا بحث گنجینه از نگرانی‌های تمام انجمن‌ها بود. اینکه شخص دیگری هم درباره این موضوع صحبت کند دلیل نمی‌شود که ما تحت تاثیر او عمل کرده باشیم. اتفاقا ما در مورد گنجینه نظر دیگری داشتیم و می‌گفتیم با ارسال این آثار مشکلی نداریم، اما به این حرف‌مان اصلا توجهی نشد. موضع ما کاملا مشخص بود و آنها را هم کاملا واضح گفتیم. ما به سابقه افراد کاری نداریم و بحث ما فقط توضیح کامل در مورد اتفاقات است.

حساسیت شما به موزه هنرهای معاصر و اتفاقاتی که در آن می‌افتد همچنان ادامه خواهد داشت؟

شاید؛ ولی باید متذکر شوم که سال گذشته وقتی شایعه حذف دروس گرافیک و نقاشی از هنرستان‌ها بر سر زبان‌ها افتاد انجمن نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش نوشت و جلسه‌ای هم با چند نفر از مدیران هنرستان‌ها برگزار کردیم. برای ما آنچه در حوزه فرهنگ و هنر رخ می‌دهد اهمیت دارد.

نخستین خواسته انجمن نقاشان از وزیر جدید ارشاد چه چیزی خواهد بود؟

از نظر من نخستین خواسته این است که انجمن‌ها را ببینند. انجمن‌ها سال‌هاست که در فضای تجسمی حضور دارند و کار می‌کنند. خواسته ما این است که توانایی‌های این انجمن‌ها دیده شود. در کل جامعه تجسمی را بیشتر ببینند. من به‌شخصه نخستین درخواستم بودجه و خرید آثار نخواهد بود و با اینکه مکانی برای آموزش و نمایش آثار نداریم اما درخواست ما پول و کمک مالی نیست، برای ما مهم است که مجموعه ارشاد ذهنیت خودش را درباره هنرهای تجسمی عوض کند، پای صحبت‌های ما بنشیند و برای حل مشکلات از ما کمک بخواهد. ما از ارشاد هیچ کمکی نمی‌خواهیم اما ای کاش آنها هم به این حد از دانش و درایت برسند تا از انجمن‌های تجسمی در وقتش کمک بگیرند.

و فکر می‌کنید حاشیه‌های برگزاری نمایشگاه گنجینه موزه با آمدن وزیر جدید ارشاد هم ادامه داشته باشد؟

این نمایشگاه ممکن است در نهایت برگزار شود. آرزوی ما این است که کارها با صحت و سلامت برگردد و آن تاثیر مثبتی را که انتظار داریم بر فضای فرهنگی و تجسمی ایران بگذارد. بهترین شکلش هم این است که همه‌چیز شفاف باشد. برای برگزاری این نمایشگاه باید دلایل مشخص وجود داشته باشد با قراردادهای مشخص. ما تا آنجا که می‌شد این موارد را گوشزد کردیم.

انجمن‌ها در متن اتفاقات تجسمی

در متن ماندن، حضور موثر و دایمی در حوزه فرهنگ و هنر را می‌طلبد؛ چه در واکنش به رویدادها و نقد آنها و چه در ارایه دیدگاه‌ها و راهکارهای درست و کارساز. از این رو امروز انجمن‌ها اتفاقا خیلی بیشتر نسبت به قبل در متن جامعه تجسمی هستند. مشکل زمانی پیش می‌آید که متولیان حوزه تجسمی نخواهند قبول کنند عده زیادی هنرمند و متخصص در انجمن‌های تجسمی حضور دارند که بسیار بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها همفکری و همکاری کنند. دوسالانه فقط یکی از اموری است که قاعدتا انجمن‌های مربوطه صلاحیت بیشتری در انجام آن دارند.

بایدتعریف جدیدی از انجمن داد

به نظر من باید تعریف جدیدی از انجمن بدهیم؛ آن هم از انجمنی که امروز نیاز است. حدود بیست سال پیش انجمن‌هایی پایه‌گذاری شد با رویکردها و نیازهای آن زمان، اما امروز با توجه به تغییر و تحولات جامعه هنری و به خصوص هنرهای تجسمی رویکردهای تعریف‌شده بیست سال پیش کارساز نیست. اینکه چه چیزهایی باید دگرگون شود و چه جایگزین نیاز به پژوهش و بررسی و گفت‌وگوی بیشتری دارد.

خواسته انجمن‌های هنری از وزیر ارشاد

کاش یک‌بار هم که شده به ما اعتماد کنند و بپذیرند انجمن‌هایی وجود دارد که به شکل تخصصی کار می‌کنند. بپذیرند که این انجمن‌ها در سخت‌ترین شرایط در طول این سال‌ها کار کرده و تجربه اندوخته‌اند و می‌توان از این تجربه‌ها در جایش استفاده کرد. حداقلش این است که ما با مشکلات حوزه‌های خودمان آشنا هستیم و می‌توانیم آنها را بیان کنیم. به نظر من این پذیرش اولیه انجمن‌ها وجود ندارد. زمستان سال گذشته بود که با آقای صالحی‌امیری، وزیر پیشین ارشاد در موزه دیداری داشتیم در این نشست انجمن‌ها حرف‌های‌شان را زدند. جدا از بحث بیمه و درخواست یک درصد خرید آثار و مشکلات عدیده دیگر مهم‌ترین خواسته‌مان این بود که ارتباط وزیر ارشاد با حوزه تجسمی بیشتر شود. پیشنهاد دادیم جلساتی با هر کدام از انجمن‌ها داشته باشند تا در جریان مشکلات و توانایی‌های آنها قرار بگیرند. آن زمان گفته شد که این پیشنهاد خیلی خوبی است، اما هیچ‌وقت چنین جلساتی برگزار نشد. دست آخر هم پس از پیگیری‌های بسیار گفتند اگر خیلی عجله دارید با معاون هنری جلسه بگذارید... اگر قرار است وزیر ارشاد به ما هیچ‌وقتی ندهند و حاضر نباشند در حد یک جلسه با انجمن‌ها آشنا شوند و حرف‌های آنها را بشنوند و کوچک‌ترین قدمی برای انجام حتی یک مورد کوچک از خواسته‌هایی که در جلسه موزه داشتیم برندارند فکر می‌کنید دیداری دیگر فایده داشت؟

در مورد نمایشگاه گنجینه این‌طور وانمود شد که انجمن نقاشان نمی‌خواهد این آثار از کشور خارج شود. مساله این بود که هیچ چیز درست و شفافی در مورد این نمایشگاه نگفتند و همه‌اش ما را دور زدند